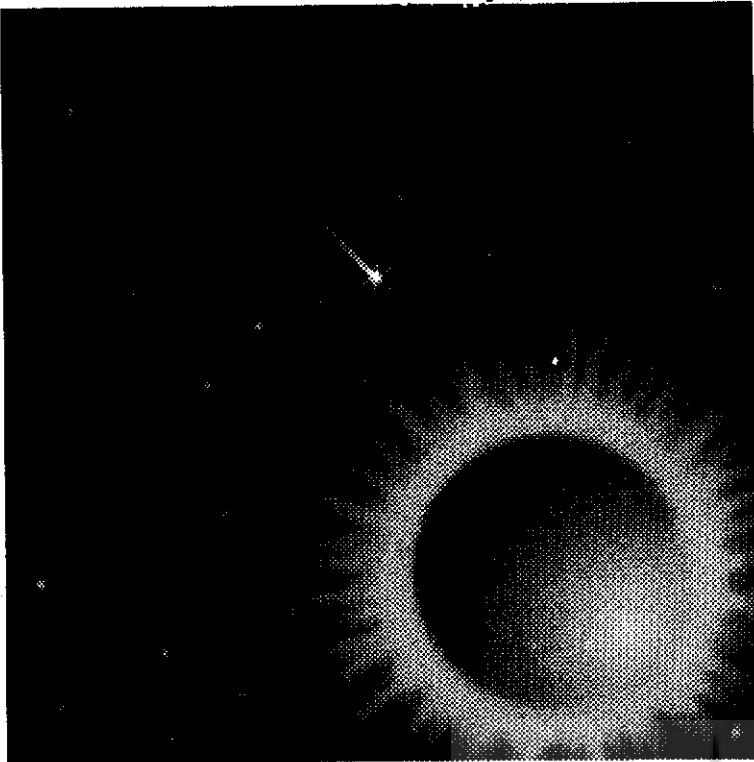


پژوهشی در اصطلاح «علوم قرآنی»

محمد علی عباسی



علم دارای سه معنی اصلی و اساسی است: نخست علم به معنی مطلق آگاهی در برابر مطلق جهل است. در معنی دوم علم به بخشی از معرفت بشری در کنار و در برابر دیگر شاخه‌های آن اطلاق می‌گردد. برای مثال مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در بیت ذیل علم را به همین معنا به کار برده است:

خرده‌کارهای علم هندسه
یا نجوم و علم طب و فلسفه
در قرون اخیر علم معنای دیگری نیز یافته است و آن معرفت‌های تجربی در برابر معارف غیر تجربی است. وقتی سخن از «علوم قرآنی» به میان می‌آید منظور معنی دوم علم یعنی بخش‌های ویژه از معارف بشری است که رابطه مستقیم با قرآن دارند، و چنانکه بعداً خواهیم دید به دلیل نسبت خاصی که این شاخه‌های دانش با قرآن کریم دارند بدانها «علوم قرآنی» اطلاق می‌گردد.

شهید ثانی شیخ زین‌الدین عاملی در قرن دهم هجری در کتاب گرانسنگ «منیة المرید فی آداب المفید و المستفید» علوم قرآنی را بخشی از اقسام علوم شرعی محسوب می‌دارد.

از دید این دانشمند دانش‌های اصلی دین کلام، کتاب، حدیث و فقهند. از دیدار ایشان «علم کتاب» همان علوم و معارف مربوط به قرآن است که در سه فن استقرار و استمرار یافته است: فن اول علم تجوید است که به شناخت حروف و کلمات قرآن می‌پردازد. فن دوم علم قرائت است که به شناخت وجوه مختلف اعراب قرآن و بنایی که قرآن بر آن نازل شده می‌پردازد.

فن سوم علم تفسیر است که هدف آن شناسایی معانی و مقاصد قرآن و استخراج حکم و احکام آن است.

از دید شهید ثانی مباحثی همچون «ناسخ و منسوخ»، «محکم و متشابه» و امثال آن در بخش سوم یا فن تفسیر باید مورد بحث قرار گیرند. (۱)

علوم قرآنی را سلسله‌ای از مباحث قرآنی می‌توان تلقی کرد که به لحاظ ورود به ساحت قدس این کتاب آسمانی بر علوم دیگر تقدم دارند. مباحث اصلی این علوم عبارتند از مباحثی همچون تاریخ نزول قرآن، قرائت، اعجاز قرآن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و امثال آن. علم کتابت و رسم‌الخط قرآن، قرائات مختلف قرآن، اعراب کتاب آسمانی و اعجاز آن از نخستین مسائلی بود که برای مسلمین پیش آمد و مسلمانان نسبت بدانها اهتمام ورزیدند.

با نفوذ اسلام در بین دیگر ملل و سرزمینها و گسترش این ایدئولوژی نو به علت درگیریها و کشمکشهای فکری و اعتقادی آرام آرام بحثهای کلامی و تفسیری پیدا شد و فهم معنای صحیح آیات اهمیت یافت. پیشتر به الفاظ قرآن و وضعیت بلاغی و لفظی آنها پرداخته می‌شد و جنبه‌های صوری مهمتر به نظر می‌رسید. عبدالعظیم زرقانی اندیشمند و دانشمند معاصر در کتاب «مناهل العرفان» (ج ۱، ص ۳۵) که اختصاص به علوم قرآنی دارد، بر آن است که این علوم از اول در اسلام بوده است، اما این اصطلاح برای جدا کردن علوم قرآن از تفسیر قرآن پیدا شده و بدایت آن در اوایل قرن پنجم بوده است.

پیش از آنکه وارد بحث تعریف علوم قرآنی از دید قرآن پژوهان شویم، ذکر يك نکته ضروری به نظر می‌رسد. نخستین مباحث مربوط به علوم قرآنی از زمان حضرت پیامبر (ص) و اصحاب ایشان آغاز شد. بحث‌هایی درباره قرآن کریم پیش می‌آمد و پرسش‌هایی مطرح می‌شد و پیامبر (ص) عهده‌دار پاسخ به این مباحث و مسایل بودند. سخنهایی از پیامبر (ص) که ذیلاً درباره قرآن نقل می‌شود، روشن می‌کند که نگرش نبوی به قرآن و علوم آن چگونه بوده است.

پیامبر (ص) فرمود: «هرگاه فتنه‌ها به شما روی آورد، و محیط جامعه مانند شب تاریک سیاه شد، پس بر شما باد تمسک به قرآن، زیرا قرآن شفیع است که شفاعتش پذیرفته است، و گواهی است که شهادت وی قبول می‌شود. هر کس که قرآن را در پیش روی خویش قرار دهد، قرآن او را به بهشت رهنمون می‌شود، و هر کس که قرآن را پشت سر خویش بیندازد، به دوزخ سرنگون خواهد شد. قرآن راهنمایی است که به بهترین راه دلالت می‌کند. قرآن کتابی است سراسر روشنی و روشننگری.

همانا قرآن دارای ظاهری است و باطنی. ظاهر آن حکم است و باطن آن علم. ظاهر قرآن ظریف است و باطن آن عمیق. شگفتیهای قرآن به شمارش در نمی‌آید و اسرار آن فرسودنی نیست. قرآن دارای چراغهای هدایت است و نشان و نشانه حکمت دارد. این کتاب دلیل راه معرفت است برای کسی که به صفت آن پی ببرد. هر فرد بصیری باید با دقت بدان بنگرد، تا صنعت قرآن بر او آشکار گردد، و به نجات و اخلاص رسد و راه و رسم آگاهی فرا

در حدیثی دیگر از آن حضرت می‌خوانیم: «کسی که معارف قرآن را فرا گرفته شایسته نیست که بپندارد کسی چیزی بالاتر و والاتر از او دارد» (۳) در دیگر جای از حضرت نقل است که فرمود: «همانا قرآن هدایت از گمراهی است، و بصیرت از نابینایی، و جبران لغزش، و نوری در ظلمت، و روشنایی در امور نوظهور، و معصومیت از هلاکت، و رشد از گمراهی، و شناخت فتنه‌ها، و رسیدن از دنیا به آخرت. کمال دین شما در قرآن است، و هیچکس از قرآن روی نگرداند مگر به سمت دوزخ» (۴).
 باز از پیامبر (ص) نقل است که فرمود: «این کتاب خدا قرآن است. در آن خبر پیشینیان است و اطلاع پسینان. این کتاب قاضی در بین شماست. مرز است و نه شوخی. این کتاب ریسمان استوار خداوند است و تذکر حکمت حکیم مطلق. اهواء نفسانی آن را نمی‌پوشاند، و زبانها را از انحراف باز

□ حضرت رسول (ص): «همانا قرآن دارای ظاهری است و باطنی. ظاهر آن حکم است و باطن آن علم. ظاهر قرآن ظریف است و باطن آن عمیق. شگفتیهای قرآن به شمارش در نمی‌آید و اسرار آن فرسودنی نیست...»

□ علامه طباطبایی علوم قرآنی را به دو دسته کلی علوم لفظی و علوم معنوی تقسیم کرده‌اند.

می‌دارد، و اندیشمندان هرگز از مطالعه آن سیر نمی‌شوند» (۵)

پس از پیامبر (ص)، اصحاب ایشان و بویژه امام علی (ع) به قرآن پژوهی و نشر و گسترش علوم قرآنی همت گماشتند. در «نهج البلاغه» شریف نیز بسیاری سخنان درباره قرآن و علوم آن بیان گردیده است. نقل سخنانی از امام در باره قرآن و علوم آن به شناخت از علوم قرآنی کمک شایان خواهد کرد.

امام علی (ع) می‌فرمایند: «خداوند پیامبرش را برانگیخت با دینی شناخته شده و رأیتی برافراشته، و کتابی برنگاشته و نوری درخشان و برنامه‌ای قاطع که مرتفع کننده تمامی شبهه‌هاست... این قرآن ظاهری دلپذیر دارد و درونش بس ژرف است.

عجایب قرآن پایان نمی‌پذیرد، و تنها قرآن است که پرده‌های تاریکی را کنار می‌زند... خداوند کتابش را در حالی که جامع تمام جوانب زندگی است پیش

روی شما گذاشته است... آیه‌ای از قرآن آیه‌ای دیگر را تفسیر می‌کند، و هر آیتی گواه آیت دیگر است. اختلافی در آن یافت نمی‌شود... تمام علوم گذشته و آینده در قرآن است، و قرآن داروی تمامی دردهاست... قرآن بهار دلها و سرچشمه علم است... قرآن امر و نهی دارد، خاموش و گویاست. حجت خدا بر مردم است... قرآن دریایی است که ژرفای آن ناپیدا است» (۶)

دیگر امامان و پیشوایان نیز بحثهای بسیار درباره قرآن داشته‌اند، و به يك تعبیر می‌توان گفت تمامی سخنان امامان و پیشوایان همانا در اصل تأویل و تفسیر و تبیین قرآن و علم آن است.

در قرون بعدی دانشمندان مسلمان کوشیدند تا با توجه به سخنان پیامبر اکرم و دیگر پیشوایان دین، علوم اسلامی را استخراج کنند و بسط و گسترش دهند. چنین بود که کتب بسیاری در این دانشها تألیف شد و رشته‌های جدیدی شکل گرفت و گسترش یافت. مرحوم آیت‌الله علامه سید حسن صدری در کتاب گرانسنگ «تأسیس الشیعه» فصلی را به علوم قرآنی اختصاص داده و در مورد طلابه‌داری تشیع در این باره می‌نویسد: «شیعه در علوم قرآنی نیز مقدم است. اول کسی که به جمع‌آوری و تدوین قرآن پرداخت، امام علی بن ابیطالب بود... در تفسیر نیز امام علی پیشوای مفسران است... اما در سایر انواع علوم قرآنی نیز علی (ع) اولین کسی است که آن را دسته‌بندی و تقسیم کرد؛ شصت نوع دانش قرآنی را برشمرد و برای هر يك نیز مثالی را متذکر گردید... بیانات امام که اینک به صورت نوشته موجود است، اصل و اساس برای تمامی کتبی است که پس از آن در زمینه علوم قرآنی به رشته تحریر و تألیف درآمده است. و بدینسان می‌توان ادعا کرد که شیعه از این طریق، در تمامی علوم قرآنی پیشقدم و طلابه‌دار بوده است... نخستین کسی که در نقطه‌گذاری قرآن و حفظ آن از تحریف گام برداشت، شاگرد و مصاحب علی (ع) یعنی ابوالاسود دثلی بود...» (۷)

- به هر روی درباره علوم قرآنی و تقسیمات آن که فهم کامل قرآن در درجه اول به دانستن آن بستگی دارد، باید گفت که این دانشها عبارتند از ۱- شناخت تاریخ قرآن کریم، ۲- شناخت تقسیم‌بندیهای درونی قرآن؛ ۳- شناخت تقسیم‌بندیهای بیرونی قرآن (مکی یا مدنی بودن)؛ ۴- معرفت نسبت به آیات محکم و آیات متشابه؛ ۵- معرفت نسبت به ناسخها و منسوخها؛ ۶- شناخت جنبه‌های اعجاز قرآن؛ ۷- شناخت تأویل و تفسیر قرآن و شناخت تفاسیر و مفسران؛ ۸- شناخت ترجمه‌های قرآن؛ ۹- معرفت قرائت و ترتیل قرآن و قاریان اصلی و قرائتهای معروف و مشهور؛ ۱۰- شناخت اسلوب و شیوه زبان و بیان قرآن؛ ۱۱- شناخت ویژگیها و ارزشهای قرآن؛ ۱۲- شناخت واژگان و حروف قرآنی.

دانشمند مصری دکتر محمد سالم محیسن علوم قرآنی را چنین تعریف کرده است: «مباحث متعلق به قرآن، مانند کیفیت نزول، مبداء آن، کیفیت و

زمان و مکانش، گردآوری قرآن، کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)، اعجاز قرآن، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، سوگندهای قرآنی، مثلها و تمثیلهای، ترتیب سوز و تناسب آنها با هم، ترتیل و قرائت آیات... از زمره دانشها و علوم قرآنی است» (۸)

البته برخی از پیشینیان علوم قرآنی را دانش ویژه مختص هر آیت قرآنی محسوب می‌داشتند و لذا در نظر ایشان دانشهای قرآنی بسیار وسیع و پز تعداد می‌نمود. از دانشمندی مسلمان به نام ابی بکر محمدبن عبدالله عرب نقل است که گفت: «۷۷۴۵ دانش در قرآن است. و این عدد را باید در چهار ضرب کرد تا ابعاد علوم قرآنی به دست آید، چون هر کلمه‌ای ظاهری دارد و باطنی، حدی و مطلعی و...» (۹)

نمی‌خواهیم این سخن را رد یا تأیید کنیم، بلکه

□ حضرت علی (ع): «هر آیه‌ای از قرآن آیه‌ای دیگر را تفسیر می‌کند و هر آیتی گواه آیت دیگر است. اختلافی در آن یافت نمی‌شود... تمامی علوم گذشته و آینده در قرآن است و قرآن داروی تمامی دردهاست...»

□ استاد محمدرضا حکیمی علوم قرآنی را «ادبیات قرآنی» می‌نامند و علاوه بر علوم قدیمی قرآنی ادبیات تفسیری و ادبیات ترجمه را نیز از آن زمره می‌دانند.

تنها می‌خواهیم بگوییم که دایره علوم قرآنی تا چه اندازه می‌تواند وسعت داشته باشد. اگر توجه به قرائت قرآن، معانی قرآن و احکام آن را در زمره نخستین علوم قرآنی محسوب داریم، به قدمت توجه به علوم قرآنی در عالم اسلامی پی می‌بریم.

حقیقت آن است که مسلمین از آغاز به کتاب آسمانی توجه و عشق بسیار داشتند، و لذا بهجرات می‌توان ادعا کرد که قرآن مورد توجه‌ترین کتاب عالم بوده است. نگاهی به رقم کتابهایی که درباره قرآن، اعم از تأویل و تفسیر و قرائت و امثال آنها به رشته تحریر و تألیف درآمده، گواه روشنی بر این مدعاست که هیچ کتابی در طول تاریخ تا این حد و اندازه مورد التفات و توجه قرار نگرفته است. به يك معنا در عالم اسلامی اساساً هیچ کتابی اعم از تاریخی، تفسیری، کلامی، فلسفی، اخلاقی، اجتماعی، عبادی، فقهی، سیاسی، ادبی، هنری

و علمی نوشته نشده، جز آنکه نگاهی به قرآن کریم داشته است. از اینهمه کتاب بخشی وسیع به طور مستقیم درباره دانشهای مرتبط با قرآن بوده است. و آن دسته که مستقیماً به قرآن مربوط نبوده، به هر حال متأثر از جهان بینی قرآنی و احکام آن بوده است.

در قرن ششم هجری مفسر بزرگ شیخ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی در تفسیر گرانسنگ «مجمع البیان» به علوم قرآنی اشاره کرده، و جوه اعجاز قرآنی، اعم از فصاحت، نظم و هماهنگی درونی، اسلوب بدیع و استوار، و همچنین تاریخ قرآن، تفسیر قرآن، جغرافیای تاریخی قرآن، علم قرائت، علم لغات، علم اعراب، صرف و نحو، ناسخ و منسوخ، و تأویل را جزو علوم قرآنی قرار داده است.

گرچه شیخ طبرسی تعریف دقیق و روشنی از علوم قرآنی به دست نمی دهد، از نوع تقسیم بندی او چنین استنباط می شود که این دانشمند برجسته

□ طبرسی وجوه اعجاز قرآن، اعم از فصاحت، نظم و هماهنگی درونی، اسلوب بدیع و استوار و همچنین تاریخ قرآن، تفسیر، جغرافیای تاریخی قرآن، علم قرائت، علم لغات، علم اعراب، صرف و نحو، ناسخ و منسوخ و تأویل را از علوم قرآنی می داند.

شیعه، علوم قرآنی را شامل علوم می داند که با فهم بهتر و درک بیشتر قرآن نسبتی تام و تمام دارند. (۱۰)

درباره علوم قرآنی کتب مستقلی نیز نوشته شده است که مهمترین آنها عبارتند از «البرهان فی علوم القرآن» و «الاتقان فی علوم القرآن». «البرهان فی علوم القرآن...» از امام بدرالدین محمد بن عبدالله بن بهادر زرکشی که از اندیشمندان شافعی مذهب قرن هشتم هجری است. زرکشی در کتاب «البرهان...» تمامی گفته ها و نوشته های مربوط به علوم قرآنی پیش از خود را خلاصه کرده و به نقل آنها پرداخته است. این کتاب در چهل و هفت باب تنظیم شده است، و مهمترین مباحث آن عبارتند از اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، انواع قرائات، رسم الخط قرآنی، اعجاز و دلایل آن. پس از او امام جلال الدین عبدالرحمان بن عمر

عسقلانی از علمای حدیث مصر که به سال ۸۲۴ هـ. ق روی در نقاب خاک کشیده، کتابی در این زمینه تصنیف کرد و آن را «مواقع العلوم من مواقع النجوم» نام نهاد. کتاب عسقلانی نیز به مباحثی اختصاص داشت که زرکشی در «البرهان» بدان پرداخته بود. در همین زمان اندیشمندی دیگری به نام محیی الدین کافجی کتابی در این باره به رشته تحریر درآورد. امام جلال الدین سیوطی که این کتب را دیده بود، متوجه شد که این دانشمندان، بسیاری از مباحث را در علوم قرآنی ناتمام گذاشته اند. لذا عزم خود را جزم کرد تا کتابی جامع و کامل در این زمینه بنویسد. نتیجه آن «الاتقان فی علوم القرآن» بود.

او در مقدمه کتاب خویش از دهها کتاب مهم اسلامی نام برد که در زمینه علوم قرآنی نوشته شده اند و منابع اصلی کار او در تألیف الاتقان بوده اند. سیوطی بحث خود در علوم قرآنی را با جستجوی مکی یا مدنی بودن آیات قرآن آغاز می کند. بحث از ناسخ و منسوخ، اسباب نزول، انواع قرائات، آداب آموزش و حفظ قرآن، طبقات مفسران از بحثهای اصلی کتاب است. گفتارهای سیوطی شامل هشتاد بحث مهم از علوم مربوط به قرآن است. او هر موضوعی را که نقل می کند، به مهمترین تألیفات در آن زمینه نیز اشاره کرده، از نویسندگان بزرگ علوم قرآنی ذکر خیری به میان می آورد. این کتاب عظیم بارها به چاپ رسیده است. در ایران نیز علاوه بر چاپ به زبان اصلی، ترجمه ای توسط استاد سید مهدی حائری قزوینی نیز صورت گرفته و چاپ شده است (۱۱)

علامه قطب الدین محمود شیرازی در کتاب گرانسنگ «درة التاج» که متعلق به قرن هفتم هجری است، دانشهای دینی را به دانشهای اصلی و فرعی تقسیم می کند: دانش اصول دین شامل توحید و نبوت و معاد است و دانش فروع دین شامل مباحثی است که نسبت به اصول دین در درجه بعدی اهمیت قرار دارند. این علم فروع خود بر دو قسم است: یک علم «مقصود» و دیگری «تبع». خود علم مقصود بر چهار رکن استوار است. رکن اول «علم کتاب» است که بر دوازده نوع است: ۱- علم قرائت ۲- علم وقوف ۳- علم لغات ۴- علم اعراب ۵- علم اسباب نزول ۶- معرفت ناسخ و منسوخ ۷- علم تأویل ۸- علم قصص ۹- علم استنباط معانی قرآن ۱۰- علم ارشاد و نصیحت و مواعظ و امثال ۱۱- علم معانی ۱۲- علم بیان.

پس علامه قطب الدین شیرازی درباره هر یک از این علوم به تفصیل سخن می گوید. (۱۲)

دانشمند معاصر مرحوم علامه استاد سید محمد حسین طباطبایی در کتاب ارزشمند «قرآن در اسلام»، اهتمام قرآن به علم آموزی را سبب اصلی شکل گیری علوم قرآنی می داند. موضوع علوم قرآنی از دید علامه طباطبایی خود قرآن، تاریخ و تفسیر آن است.

با نزول قرآن آرام آرام علوم مربوط به آن اعم از علوم لفظی و معنوی پرورش می یابند و رشد می کنند، آرام آرام هر یک به علم مستقلی تبدیل می شود و درباره آنها کتابهایی تصنیف می شود. علوم هم چون تجوید و قرائت، به کیفیت تلفظ و حالت و عوارض حروف تهجی در زبان عربی و امثال آنها می پردازد. عدد سوره و آیات و کلمات و حروف آنها و فن رسم الخط قرآن و اختلافات آنها نیز در زمره این علوم قرار می گیرند. در مقابل فنونی مانند تأویل و تفسیر و شناخت محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ و همچنین بحث از آیات احکام به مثابه زیربنای فقه اسلامی بخش عمده دیگر از علوم قرآنی را تشکیل می دهد.

علامه طباطبایی تقسیم بندی خاصی درباره علوم علوم قرآنی دارند که ظاهراً بهترین تقسیم بندی در این زمینه است. ایشان علوم قرآنی را به دو دسته کلی علوم لفظی (یعنی علوم که به الفاظ قرآن

□ شیعه در تمامی علوم قرآنی پیشقدم و طلایه دار بوده است.

□ در عالم اسلامی هیچ کتابی نوشته نشده، مگر آنکه نگاهی به قرآن کریم داشته است.

تعلق دارند) و علوم معنوی (یعنی علوم که به معانی قرآن تعلق دارند) تقسیم کرده اند. علوم هم چون تجوید، قرائت، رسم خط، تعداد آیات و کلمات و امثال آنها مربوط به علوم لفظی است، و مباحثی همچون تفسیر، تأویل، ظاهر و باطن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و امثال آنها را می توان در زمره علوم معنوی قرآن برشمرد.

از دید علامه طباطبایی، قرآن کریم در رشد و گسترش علوم هم چون صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و علم واژه شناسی و علوم دیگری نیز از این قبیل نقشی شگرف داشته است. (۱۳) استاد فرزانه و دانشمند برجسته معاصر محمدرضا حکیمی به جای ترکیب «علوم قرآنی»، ترکیب «ادبیات قرآنی» را برای این دسته از دانشها پیشنهاد می کند. از دید ایشان تمامی علوم، معارف و دانشهای

می شود که مستقیم و بی واسطه در فهم قرآن دخالت دارند. (۱۵)

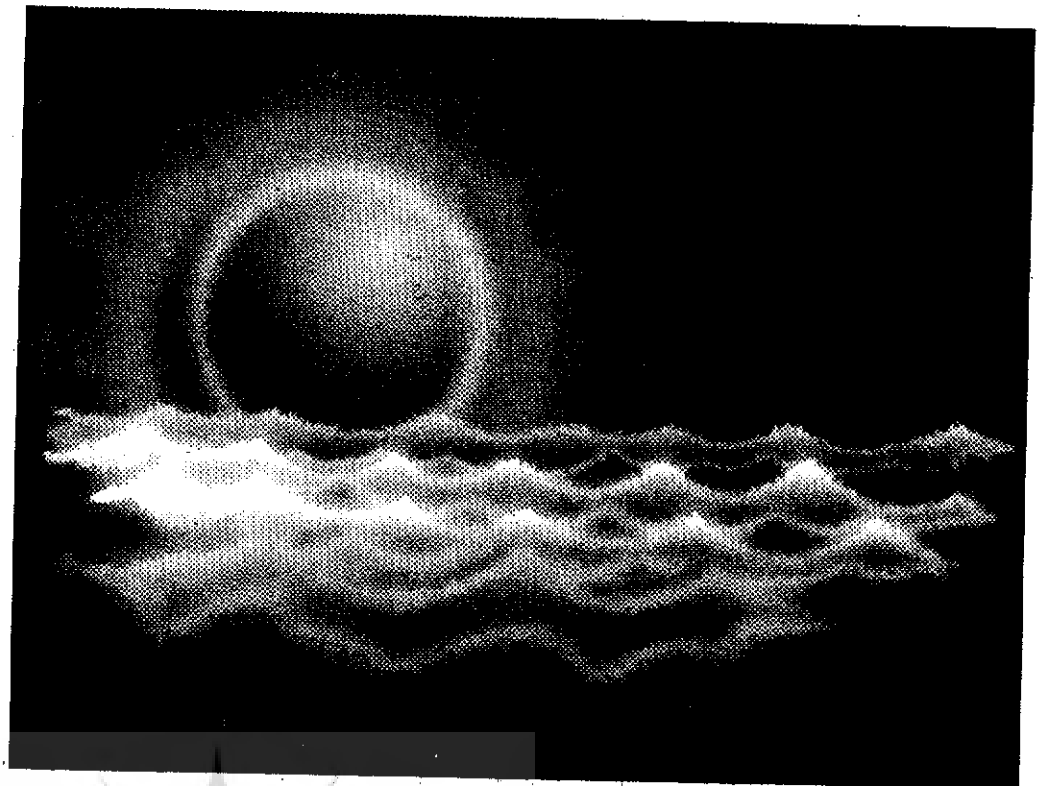
آخرین کتابی که در این بحث بدان اشاره خواهد شد کتاب با ارزش «طبقات مفسران شیعه» نوشته استاد عقیقی بخشایشی است. نویسنده این کتاب چهارده نوع دانش را مجموعه علوم قرآنی محسوب می دارد. وی علوم قرآنی را علوم می داند که رابطه ای مستقیم با تفسیر قرآن دارند، و پیش نیاز اصلی و اساسی برای هر نوع استنباط و فهم قرآنی است، و بدون این علوم درک قرآن ممکن نیست.

این دانشها عبارتند از: دانش نحو، دانش صرف، بحث اشتقاق، دانش معانی، دانش بیان، دانش بدیع، علم قرائت، علم عقاید یا کلام، اصول فقه، اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، فقه یا آیات احکام، علم الحدیث، واژه شناسی.

البته این چهارده دانش چنانکه مؤلف متذکر است، بیشتر نزد بزرگانی همچون شهید ثانی در «منیة المرید» جلال الدین عبدالرحمان سیوطی در «الاتقان» و شهاب الدین آلوسی در «روح المعانی» به عنوان علوم قرآنی پرشمرده و ذکر شده اند. اما از دید آقای عقیقی بخشایشی با پیشرفت و گسترش علوم و معارف بشری دانشهای دیگری نیز میتوانند به نحوی از انحا مفسران را در فهم بهتر قرآن یاری دهند. (۱۶)

پی نوشت:

- ۱- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، شهید ثانی، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۹، ص ۳-۵۲۰.
- ۲- اصول کافی، شیخ کلینی رازی، ج ۲، ص ۲۳۸. و مشکاة الانوار، محمد باقر مجلسی، ص ۶۸.
- ۳- مستدرک وسائل الشیعه، میرزا حسین نوری، ج ۱، ص ۲۸۸. و: مشکاة الانوار، مجلسی، ص ۶۸.
- ۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۹.
- ۵- مجمع البیان، شیخ طبرسی، ج ۱، ص ۱۶.
- ۶- قرآن در احادیث اسلامی، جعفر خوشنویس، چاپ اول، سال ۱۳۶۱، ص ۴۴-۳۶.
- ۷- تأسیس الشیعه، سید حسن صدر، قم، ص ۸-۳۱۶.
- ۸- مجله بیان، شماره ۳ (سال اول، پاییز ۱۳۷۳)، ص ۹۰.
- ۹- همان، ص ۹۱.
- ۱۰- مجمع البیان، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، چاپ بیروت، ۱۳۷۹ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۵-۹.
- ۱۱- مشخصات ترجمه چنین است.
- ۱۲- ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمان سیوطی، سید مهدی حائری قزوینی (تصحیح متن اصلی از محمد ابوالفضل ابراهیم)، دو مجلد، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، سال ۱۳۴۳.
- ۱۳- درة التاج، قطب الدین محمود شیرازی، تصحیح سید محمد مشکاة، چاپ دوم، تهران، سال ۱۳۶۵، ص ۹۱-۸۷.
- ۱۴- قرآن در اسلام، سید محمد حسین طباطبایی، چاپ دوم، ص ۱۵۸-۱۶۴.
- ۱۵- دانش مسلمین، محمد رضا حکیمی، چاپ هفتم، تهران، سال ۱۳۷۱، ص ۲-۱۸۰.
- ۱۶- شناخت قرآن، سید علی کمالی دزفولی، چاپ اول، سال ۱۳۶۴، ص ۲۹ و ۲۸.
- ۱۷- طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی، چاپ اول، قم، سال ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸-۱۲۴.



بدین گونه ایشان این علوم را مجموعه «ادبیات قرآنی» می نامند. از دید استاد حکیمی، وحدت علوم قرآنی، وحدت اعتباری و انتزاعی است. یک علم است که مسائل آن علوم مختلفه ای است که به گونه ای خاص خادم قرآنند. مدلول تضایفی علوم قرآنی با مدلول اصطلاحی پس از آن مغایرت دارد.

علوم یاد شده از جمله سرشار است از انواع موضوعات ادبی و بلاغی صرف. و همچنین شایان ذکر است که ایشان دو نوع دیگر از ادبیات در مورد قرآن کریم مطرح می نمایند که ادبیات تفسیری و ادبیات ترجمه را شامل می شود. (۱۷)

استاد سید علی کمالی دزفولی یکی دیگر از قرآن پژوهان معاصر است که به تعریف علوم قرآنی و مباحث مربوط به آنها می پردازد. از دید ایشان علوم القرآن به لفظ جمع غیر از علم القرآن به لفظ مفرد است. علوم قرآنی در واقع معرفتهایی مرتبط با قرآن هستند که به نحوی از انحاء و بگونه ای خاص ما را در فهم قرآن یاری می کنند و به اصطلاح می توان این علوم را، علوم خادم نیز نام نهاد، دانشهایی مانند دانش رسم خط، دانش قرائت، دانش اسباب و نزول، دانش ناسخ و منسوخ، دانش اعراب قرآن، دانش غریب قرآن، دانش محکم و متشابه، و دانشهای دیگری از این قبیل علوم قرآنی یا دانشهای خادم فهم قرآنند. ایشان علوم می همچون صرف و نحو عربی را که به گونه ای عام در خدمت قرآن هستند در زمره علوم قرآنی یعنی علوم می که به گونه ای خاص در خدمت قرآنند محسوب نمی دارند، بدین سان علوم قرآنی بر علوم می اطلاق

بشری در گستردگی بشمار آن به نحوی می توانند و باید علوم قرآنی محسوب شوند. چرا که هر یک از پیشرفتهای دانش بشری به فهم بهتر قرآن یاری خواهد رسانند. اما در عین حال، رابطه برخی از علوم با قرآن رابطه ای نزدیکتر است و برخی در درجات دورتر قرار می گیرند و حق آن است که علوم درجه اول علوم قرآنی، یا به اصطلاح ایشان «ادبیات قرآنی» گفته شوند.

ایشان می نویسند: «مقصود از ادبیات قرآنی، علمی است که از مواد و مسائل ادبی وسیع تشکیل یافته است و برای شناخت جوانب گوناگون کلام خدا، به دست متفکران و عالمان مسلمان تبویب و تدوین شده است این علوم بالغ بر ۳۰ رشته اند که در فهرستهای اسلامی - از جمله «کشف الظنون» آمده اند:

علم مفردات قرآن یا شناخت واژه های قرآن، علم متشابهات قرآن یا شناخت کلمات متشابه قرآن، علم دفع مطاعن القرآن یا شناخت پاسخ اعتراضهای معاندان بر قرآن، علم غریب القرآن یا شناخت واژه های غیر مشهور قرآن، علم بدائع القرآن یا شناخت آرایشهای لفظی و معنوی قرآن،

علم اعراب القرآن یا شناخت نحو و صرف قرآن، علم کتابة القرآن یا شناخت رسم الخط قرآن، علم اعجاز القرآن یا شناخت چگونگی معجزه بودن قرآن، علم التجوید و قرائة القرآن یا شناخت درست و نیکو خواندن قرآن، علم وقوف القرآن یا شناخت پایان جمله ها و انواع وقفهای قرآن.